

ما نور فرهنگی بچه حزب اللهی ها در بالاشهر

چند روز قبل از نیمه شعبان سال 93 با یکی از دوستانم فکر کردیم که در شب نیمه شعبان یک حرکت فرهنگی انجام دهیم. اول فکر کردیم ایستگاه صلواتی بزنیم و چای یا شربت و شیرینی بدهیم و به طریقی افراد مختلف را دخیل کنیم که نذوراتشان را بدهند و یک فضای شادی ایجاد شود. بعد که کمی به این طرح فکر کردیم دیدیم این کار خیلی تکراری شده البته این کار هم خیلی فضای خوبی را ایجاد می کند و باید وجود داشته باشد ولی ما میخواستیم یک کار جدید بکنیم. فکر کردیم به جای شربت و شیرینی مهربانی بین مردم پخش کنیم. و این مناسبت را با یک چهره رحمانی به مردم متذکر شویم. قرار بر این شد که برای آن شب هر چقدر که توانستیم از خودمان و دوستانمان پول جمع کنیم و حدود 2000 شاخه گل رز بگیریم و یک کاغذ با محتوای فرهنگی به آن الصاق کنیم و این را طی یک موقعیت مکانی پشت چراغ قرمز بین مردم بالا شهر پخش کنیم. وقتی اجزای کار مشخص شد این ایده را با چند نفر از بچه ها به اشتراک گذاشتیم که همه استقبال کردند و با حدود 10-20 نفر از بچه ها پای کار ایستادیم و توانستیم حدود دو میلیون تومان پول جمع کنیم. صبح زود رفتیم و از بازار گل 2000 شاخه گل رز خریدیم و آوردیم در یک امامزاده ای نزدیک بالاشهر نشستیم و دورهمی یکسری از بچه ها خار گلها را کردند، یکسری هم به طراحی آن کاغذ با محتوای فرهنگی مشغول شدند.



بیا از امشب به قولی بدیم که به عشق امام زمانمون یک گناهمون رو کنار بگذاریم

فرهنگ نیوز: محتوای این کاغذی که طراحی کردید چه بود؟

هدف اصلی ما این بود که چون میدانستیم گل معجزه می کند، یعنی وقتی به کسی گل می دهید آن هم پشت چراغ قرمز و به صورت رایگان و با لبخند، خیلی طرف مقابل خوشحال میشود مخصوصا اگر گل رز باشد، میخواستیم از این خوشحالی که شب نیمه شعبان ایجاد میشود بهترین استفاده را بکنیم و برای این منظور آن کاغذ را گذاشتیم که شاید یک تلنگر برای طرف مقابل باشد.

یک طرفش این کاغذ حدیثی از امام موسی کاظم علیه السلام بود که میفرمایند: «او از چشم ها پنهان است، ولی یادش از دل های مومنین بیرون نمی رود.» و طرف دیگر هم نوشته بودیم " بیا از امشب به قولی بدیم که به عشق امام زمانمون یک گناهمون رو کنار بگذاریم." که با یک فونت خیلی فانتزی نوشته شده بود و در نهایت کار شیک شده بود.

حدود 2-3 ساعت طول کشید که 2000 تا 3000 تا از این برگه ها طراحی و

چاپ و آماده شد. بعد از این کاغذ را به گل الصاق کردیم و یکی عدد شکلات هم کنارش گذاشتیم و یک کنف هم دور گل پیچیدیم، کاغذ هم که رنگش کاهی بود و یه کار شیک و ساده با هارمونی رنگ زیبایی درست شد. و سر هم کردن اینها حدود 6-7 ساعت طول کشید. و ساعت 10 شب همه چیز آماده بود.

این گل ها را پشت ماشین هایمان گذاشتیم و رفتیم بلوار اندرزگو تقاطع قیطریه، پشت یکی از چراغ قرمزها پارک کردیم و درهای ماشین ها را باز و صدای مولودی را بلند کردیم. همه بچه ها هم یک سربند یا صاحب الزمان دور سرشان بستند و حدود 20-30 نفر مشغول پخش این گلها شدیم. چراغ که قرمز میشد بچه ها سریع می رفتند کنار ماشین ها و گلها را میدادند تا هیچ ترافیکی هم تولید نشود و کسی در ترافیک حاصل از ما نماند و یک وقت مردم شاکی نشوند.

مانور فرهنگی بچه حزب اللهی ها در بالاشهر فرهنگ نیوز: چرا اندرزگو- قیطریه و به قول شما بالاشهر را انتخاب کردید؟

ما فکر کردیم که می خواهیم یک کار تبلیغی و فرهنگی انجام دهیم در زمانی که شب نیمه شعبان است و آن سال نیمه شعبان جمعه بود. یعنی شب جمعه نیمه شعبان درحالی که ماشین های خیلی مدل بالا شاید آن شب در حال دور دور بودند و اصلا از مناسبت فردا هم خبر نداشتند. کار ما یک مانور فرهنگی بود یعنی ما آن شب جو منطقه را عوض کردیم. شیشه خیلی از ماشینها به خاطر حال و احوال خودشان پایین بود و تا بچه ها می آمدند بینشان و گل را با مهربانی میدادند اصلا جوشان عوض میشد و مشغول این گل میشدند. ما توی چشم خیلی از آنها اشک را دیدیم.



خود بچه ها در ابتدا برای این آمده بودند که انجام وظیفه ای بکنند ولی وقتی ساعت 12 شب کار تمام شد همه از تاثیر فرهنگی که ایجاد شده بود یک جورهای روی ابرها بودند و می گفتند اصلا توقع نداشتیم همچین برخوردهایی ببینیم. فکر میکردیم اگر عید را تبریک بگوییم شاید آنها با تلخی گل را بگیرند ولی آنها هم متقابلا عید را تبریک می گفتند.

ببینید غالب کسانی که مخاطب ما بودند، کسانی بودند که زیاد مناسبت فردا را نمی دانستند و اصلا یادشان نبود و یا زیاد حسی به آن نداشتند ولی این گل و نشان دادن چهره رحمانی از اسلام، تاثیر فرهنگی خوبی روی آن منطقه گذاشت حداقل به اندازه 2000-3000 نفر. ولی ما احساس می کنیم تاثیرش بیشتر از این تعداد بود چون هر کدام از این افراد این گل را به خانه شان بردند و حداقل 4-5 نفر در خانه شان بودند و یا 10 نفر از دوستانشان در جریان قرار گرفتند.

فرهنگ نیوز: چه بازخوردهایی از این کار گرفتید؟
این کار اول ما بود بدون هیچ پشتوانه ای، بدون حتی ایجاد یک گروه مشخص و صرفا به شکل یک لوح سفید این کار را انجام دادیم. آن شب

که این کار تمام شد ما فقط یکسری نگاه های پر از شور و شغف و چشمهای گریان دیدیم. مثلا یک خانمی به خود من بلند داد میزد و میگفت بسیج واقعی تویی و خیلی قربان صدقه می رفت و اصلا ظاهرش طوری نبود که آدم فکر کند همچین حرفهایی را بگوید. یا یک ماشین عروس از آنجا رد شد بچه ها گلهای پر پر شده را ریختند روی ماشین عروس و به آنها کادو دادند که عروس خیلی خوشحال شده بود.

ضمنا در کنار این گل ما 500 تا کتاب هم خریده بودیم که نقاشی خیلی خوشگل در مورد امام زمان(عج) داشت، این کتاب را به بچه ها میدادیم و پدر و مادرها هم خیلی خوشحال میشدند و مثلا می گفتند این کتاب را نداشت و تشکر میکردند.

بازخوردهای ما از آن شب فقط همین ها بود. وقتی جلو رفتیم دیدیم پتانسیل بزرگی ایجاد شده مثلا خیلی از دوستانمان بعد از آن کار زنگ میزدند و میگفتند چرا به ما نگفتید و ما هم پای کار هستیم و می پرسیدند برنامه بعد چه زمانی است.

تصمیم گرفتیم این پتانسیل را جذب کنیم و برای محرم برنامه ای داشته باشیم که از قبل هم فراخوان داده باشیم و اطلاع رسانی کرده باشیم تا افراد زیادی در جریان قرار بگیرند. به همین خاطر صفحه اینستاگرام را راه انداختیم و برای گروه اسم انتخاب کردیم.

حدود یک ماه قبل از محرم بود که اسم گروه را نفحات گذاشتیم. علت انتخاب این نام حدیثی از حضرت رسول (ص) است که میفرمایند: «در زندگی شما نسیم های معنوی است که هرچند وقت یکبار وزیدن میگیرد به این نسیم ها چنگ بزنید و خودتان را در معرض این نفحات قرار دهید.»



کیفیت و زیبایی کار خیلی برایمان مهم است/ در همه برنامه ها کاری هم برای بچه ها آماده کردیم چون تاثیرپذیرترند

عکسهایی که در نیمه شعبان گرفته بودیم را در صفحه اینستاگرام گروه قرار دادیم و یکسری متن برای آن در نظر گرفتیم و یک کاتالوگ خیلی شیک برای گروه تعریف و چاپ کردیم تا با آن از خیرین پول بگیریم. وقتی این سازماندهی انجام شد یک ماه قبل از محرم دور هم جمع شدیم و فکر کردیم که برای محرم چه کاری انجام دهیم؟ در آخر به این رسیدیم که ما شب اول ماه محرم در همان بلوار اندرزگو یک فضای فرهنگی راه بیاوریم که متشکل از دود اسفند، یک باند بزرگ برای پخش مداحی، شالهای عزا و سربندهای لبیک یا حسین بچه ها بود. فضایی که وقتی مردم وارد آن می شوند متوجه یک تغییر اساسی بشوند و بفهمند که محرم از راه رسیده است.

یادگاری های فرهنگی هم که میخواستیم پخش کنیم اینها بودند؛ ما دیدیم اکثر ماشینها یک منبع خوب از مداحی که در محرم گوش بدهند ندارند. یک تیمی تشکیل دادیم که دو هفته وقت بگذارد و یکسری مداحی های وزین دریاورد (چون برخی از مداحی ها هم آفت دارند). قرار شد حدود 3000 تا سی دی مداحی گلچین شده وزین تهیه کنیم و به

ماشین ها بدهیم. میخواستیم به مردم اعلام کنیم که دیگر باید سیاهپوش شویم و برای امام حسین (ع) عزاداری کنیم برای همین هم قرار شد تعدادی شال عزا تهیه کنیم تا به آقایون شال عزا بدهیم. البته هزینه اش زیاد میشد اما دیگر تصمیم مان را گرفته بودیم. در کنار اینها یکسری یادگاری های نمدی برای بچه ها و خانم ها آماده کردیم که پشتش مگنت میخورد و مثلاً به در یخچال یا جاهای دیگر می چسبید. برای خانم ها به شکل یک گل نمدی بود که کنارش نوشته بود "بهشت من تماشای حسین است" برای بچه ها هم یک فرشته کوچولو که شال عزا به گردن انداخته بود. کلاً ما در همه برنامه ها سعی کردیم برای بچه ها یک کاری داشته باشیم چون بچه ها خیلی بهتر تاثیر میپذیرند.



کار دیگری که کردیم این بود که از تعدادی خانواده خواستیم برای ما حلوا درست کنند. 10-15 خانواده را هماهنگ کردیم که همگی اتفاقاً خانه مادر بزرگ خانواده جمع شدند و یک جمع خانوادگی تشکیل شد که حلوا درست کنند. آن هم به صورت نفری و نه به دیسی، که ما در کنار چیزهای دیگه حلوا هم پخش کنیم.

فرهنگ نیوز: شما برای ارائه این طرح ها اتاق فکر دارید یا یک ذهن خلاق در گروه هست که ایده میدهد و بقیه اجرا می کنند؟

ایده دادن و تایید طرح کلی با دو نفر است که من و آقای خاکسار هستیم. بیشتر اینگونه است که اتاق فکر داریم. حدود 10-15 نفر هستند که همگی دلسوزند و اوقات فرهنگی شان را روی این کار گذاشته اند.

فرهنگ نیوز: برای دو کار اول با اینکه گروه خانم ها وجود نداشته، اما طرح ها خیلی با سلیقه بوده، این ایده های زیبا و جذاب چگونه ارائه میشود؟

در همه کارها یکی از کسانی که خیلی تاثیرگذار بود آقای خاکسار است که از بچه های معماری است و بچه های معماری به شدت ذوق و شوق هنری دارند و بخش زیادی از شاکله گروه را بچه های معماری تشکیل میدهند و هرکدام طراحی های خیلی زیبا، ماکت ها و پروژه های خیلی جالبی داشتند و کارهای خیلی شیک انجام میدهند. حتی کارهای بعدیمان هم طراحی با خانم ها نبود و طراحی کار با آقایون بود. خانم ها فقط در کار اجرا دخیل بودند.

فرهنگ نیوز: میانگین سنی بچه های گروه چند سال است؟
20 - 22 سال

فرهنگ نیوز: بعد از طرح اول که هزینه اجرا هم با خودتان بود، هزینه کارهای بعد را چگونه تامین کردید؟

همه اش با کمک مردم و از طریق بچه های گروه، خانواده ها و آشنایان نشان تامین شده است. برای کار محرم هزینه ها خیلی بالا رفت. یعنی اگر در نیمه شعبان دو میلیون هزینه کردیم برای محرم هشت تا نه میلیون هزینه کردیم. اتفاقاً در محرم قرار بود ما به یک مرکز

فرهنگی وصل شویم و از آنها بودجه بگیریم که قول پنج میلیون را به ما داده بود. صبح روزی که این قضیه کنسل شد من تا ظهر وقت داشتم که پنج میلیون جمع کنم و پول شالها را بپردازم. و کار امام حسینی شد و با تماس هایی که با بچه گرفتم و آنها به کسانی که می شناختند اطلاع دادند و به صورت شبکه ای تا ظهر این مبلغ جمع شد. یعنی برای همه برنامه ها بودجه مردمی بوده و بچه ها خودشان جمع میکردند.



جنس کارمان کاملاً مردمی است، برای همین به دل مردم می‌نشیند فرهنگ نیوز: از طرف سازمانها و مراکز فرهنگی پیشنهاد تامین بودجه داشتید یا اینکه بخواهند زیر نظر آنها فعالیت کنید؟ بله اتفاقاً خیلی بوده اما ما قبول نکردیم. فرهنگ نیوز: چرا قبول نکردید؟

ببینید جنس کار ما کاملاً مردمی است. بعضی از کارها می‌طلبید که از طریق این ارتباطات حالا مثلاً بودجه کار تامین شود اما این کار برای اینکه به دل مردم بنشیند باید از جنس مردمی باشد. آقا یک فرمایشی دارند که می‌گویند: این گروههای خودجوش خیلی تاثیرگذار است و تا میتوانید در گروههای خودجوش کار انجام دهید. مثلاً در بحث افطاری ساده که از طرف سایت خامنه ای دات آی آر یک حرکتی راه افتاد. اینجور کارها باید مردمی باشد اگر سازمانی باشد و لوگو زیرش درج شود دیگه تاثیر گذاری خود را از دست میدهد. ما اتفاقاً خیلی پیشنهاد داشتیم از جاهای مختلف که نپذیرفتیم. واقعاً به این شکل هم به دل خودمان و هم به دل مردمی بیشتر می‌نشیند.

از خودی ها بیشتر تیکه و متلک شنیدیم فرهنگ نیوز: بیشتر کارهایی که انجام دادید سمت بالا شهر و مناطقی بوده که شاید خیلی در این وادی ها نبودند، شده در کار مسخره تان کنند یا بازخورد منفی داشته باشید؟

ما از خودی ها خیلی بیشتر تیکه خوردیم. منظورم قشر حزب الهی و مذهبی است. که مثلاً می‌گفتند ده میلیون برداشتید بردید گل و شال عزا دادید؟ به کی دادین؟ اصلاً می‌فهمند؟ و می‌گفتند این ده میلیون را بردار برو جنوب شهر و یک شب همه را سیر کن. به آنها که نمیشد جواب بدهیم چون اصلاً تو فاز کار ما نبودند. اما جواب من به یک آدم معقول و منطقی این است که تاثیری که در روح و عقاید یک نفر ایجاد میشود کجا و تاثیری که از شکم سیر شدن یک نفر ایجاد میشود کجا؟ البته این هم در جای خودش باید باشد ولی شما با تاثیری که در روح یک نفر بگذارید میتوانید زندگی ها را عوض کنید و حال آدمها را خیلی خوب کنید. این یک کار تبلیغی و فرهنگی است که دارد اندکی فقر فرهنگی را غنی می‌کند.

فرهنگ نیوز: حتی اگر یک نفر عوض هم نشود اما همین که دیدش نسبت به بچه حزب الهی ها تغییر کند خودش کلی موثر است. دقیقاً همینطور است. و ما واکنشهایی که میدیدیم واقعاً گویای همین

مطلب بود.

تنها بازخورد منفی که از آن سمت دیدیم این بود که فقط دو سه تا ماشین در برنامه محرم شیشه ها را دادند بالا و از ما چیزی نگرفتند و اگر نه هیچ کس هیچ حرفی به ما نمی زد و همه استقبال میکردند. آن چندتا ماشین هم با توجه به ظاهر ما که کامل سیاه پوشیده بودیم و شال عزا انداخته بودیم و ریش داشتیم خوب حق داشتند نگیرند. ولی همه وقتی میدیدند ما با مهربانی با آنها رفتار می کنیم، خیلی خوب استقبال میکردند. اصلا من یک جمله ای دارم که در نفحات به بچه ها میگویم و یک جورهای شعارمان شده این است که ما داریم روی جماعتی کار می کنیم که بیشتر نهی دیدند تا امر به معروف و کمتر امر به معروف خوشگل دیده اند و امر به معروفی هم که دیدند خیلی شیک نبوده. یک امر به معروف زیبای از جنس خودشان واقعا به دلشان می نشیند. و واقعا کسی توهین و تمسخر نکرد.

حتی در برنامه محرم و آن فضایی که دود اسفند بود و مداحی پخش میشد و ما داشتیم فعالیت میکردیم چند نفر آمده بودند و تحت تاثیر آن فضا قرار گرفته و کناری ایستاده بودند و فقط گریه میکردند.



بازخوردهای خیلی خوبی که از محرم گرفتیم انگیزه‌ای شد تا راهمان را ادامه دهیم

بعد از اینکه ما عکس مراسم ها را در اینستاگرام گذاشتیم و کم کم فالوورها زیاد شد، ما بعضی از بازخوردها را گرفتیم. که مثلا مردم در اینستاگرام پیغام میگذاشتند که ما شالتان را گرفتیم. یا ایمیل میزدند. و با پایان محرم ما بازخوردهای خیلی خوبی گرفتیم و دوباره عزممان برای برنامه های بعد جزم شد. اما بیشتر به خاطر مسئله ازدواج بنده که خیلی سرم شلوغ شد این ماجرا تا حدودی متوقف شد. عید هم گذشت و بچه ها خیلی مشتاق بودند که برای نیمه شعبان حتما برنامه داشته باشیم. دوباره یک کارگروه تعریف کردیم و این دفعه گروه خانم ها هم اضافه شده بودند. به این نتیجه رسیدیم که ما در همه فعالیت های شادی مان گل را حتما داشته باشیم و گل به نوعی تم و نماد نفحات بشود. با بررسی طرحهای مختلف به یک بسته خوشگل رسیدیم که نوشته بود " تا نیایی گره از کار جهان باز نشود" و این ایده را به ما داد که دور این بسته کنف بپیچیم و گل را کنارش بگذاریم و داخل بسته هم یک تخته شاسی با محتوای فرهنگی که به شکل رومیزی بود قرار بدهیم. و طراحی این را به یک طراح و گرافیکست سپردیم. البته محتوا را خودمان به شان داده بودیم که شامل یک جمله بود؛

«به انتظار ایستاده ایم مهربان پدر» و نامه امام زمان(عج) به شیخ مفید بود که میفرمایند: «ما هرگز امور شما را رها نکرده ایم، فراموشتان نمی کنیم، و اگر عنایات و توجهات ما نبود مصائب و حوادث زندگی شما را در بر میگرفت و دشمنانتان شما را از بین میبردند.»

به این ترتیب محتوای بسته فرهنگی ما مشخص شد. وقتی فراخوان دادیم حدود 30-40 نفر از خانم ها دو روز برای بسته بندی کار شرکت کردند. سی چهل نفر از آقایون هم آمدند و در کندن خار از گل های رز و آماده کردن و پخش آنها شرکت کردند.

فضا سازی محل پخش این بسته ها هم به این شکل بود که عکس شهدا و پرچم یا صاحب الزمان را کنار بلوار اندرزگو زدیم، باند آوردیم و مولودی پخش کردیم، همگی شال سفید انداختیم و این بسته ها را به همراه شیرینی پخش کردیم.

این دفعه یک کاغذ داخل بسته ها گذاشته بودیم که روی آن نوشته بود ما گروه نفحات هستیم و یک گروه مردمی، به ما بپیوندید و آدرس اینستاگرام و ایمیلان را هم نوشته بودیم.



هدیه ای از طرف امام زمان (عج) در شب نیمه شعبان خیلی از بازخوردهایی که در اینستاگرام و ایمیل داشتیم به این صورت بود که از طریق اینترنت همان لحظه پیام داده بودند "من همین الان گل تان را گرفتم". و کلا بازخورهای جالبی داشتیم. یکی از بازخوردهایی که داشتیم این بود، یک خانمی نیمه شعبان امسال در اینستاگرام ما عضو شد و با دیدن عکسهای ما کامنت گذاشته بود که من پارسال در بستر بیماری بودم و خیلی حالم بد بود. آن موقع این گل شما از طریق به دستم رسید و با گرفتن این گل حالم خیلی خوب شد، اصلا احساس کردم این یک هدیه از طرف امام زمان(عج) است و کلا بیماریش هم خوب شده بود و نوشته بود که خیلی خوشحالم که شما را پیدا کردم.

یک فرد دیگری را هم داشتیم که وقتی کربلا بود به ما پی ام میداد که من میخواهم در گروهتان عضو شوم و وقتی رسیده بود تهران، همان شب نیمه شعبان همه کارهایش را رها کرده بود و آمد به گروه ما اضافه شد و در فعالیت بعدی ما یکی از رکن های اصلی همین بنده خدا بود.

تعداد زیادی کامنت از مشهد و اصفهان و شیراز داشتیم که بیاید و در شهرستان ما هم این گروه را راه بیندازید. که به صورت ایمیلی با تعدادی از آنها مکاتبه داشتیم و راهنمایی شان کردیم. هدف اصلی گروه نفحات اشاعه فرهنگ مهربانی و نمایش چهره رحمانی اسلام است

فرهنگ نیوز: گروهی های زیادی هستند که مثل شما شروع کردند و کم کم کارشان را اشاعه دادند و حالا در خیلی از شهرستان ها هم چنین کاری انجام میشود. هدف شما ایجاد ارتباط با سایر شهرها نیست؟
واقعاً بی سعادتی و بی عرضگی ما بوده، که ما هنوز وقت نکردیم و هنوز آنقدر ثابت قدم نشدیم که حتماً این کار را انجام دهیم. اصلاً از محرم به بعد هر ف اصلی گروه همین بود که این حرکت را اشاعه دهیم. و مثلاً به جای سه هزار نفر، بیست هزار نفر گل بگیرند. و هر کسی در خانواده خودش اگر نیمه شعبان جاهای مختلف می رود یک هدیه

کوچک تهیه کند و به اعضای خانواده اش بدهد. ما بعد از این برنامه ها با خودمان که فکر میکردیم دیدیم از کار ما چند اتفاق و اثر مثبت ایجاد میشود. اول اینکه در حد کوچکی جلوه رحمانی اسلام و امر به معروف زنده میشود. دوم یادآوری مناسبت هاست و با مهربانی مناسبتها به مردم یاد آوری میشود. و بعد هم اینکه این حرکت محدود به ما نباشد و گسترش پیدا کند. فرهنگ نیوز: بعد از برنامه نیمه شعبان چه اتفاقی افتاد که برنامه بعدی را جنوب شهر اجرا کردید؟

برای فعالیت بعد از نیمه شعبان، فارغ التحصیلان دبیرستان مفید هیاتی به نام هیئت الزهرا دارند، بچه های هیئت خدمت شیخ حسین انصاریان رفته بودند که از ایشان بپرسند برای ولادت امام حسن(ع) چه کار کنیم؟ شیخ حسین انصاریان گفته بود ما حرکتی در شیراز راه انداختیم که برای ولادت امام حسن(ع) همه نانوائی ها در شیراز نان صلواتی میدهند و این طرح در آنجا خیلی جا افتاده، شما هم در تهران همین کار را انجام دهید. بچه های هیات الزهرا با ما صحبت کردند و قرار شد نانوائی های شمال شهر را به صورت تبلیغی بخرند. ما با خودمان فکر کردیم ما که از لحاظ بودجه گیری و اینکه یک فراخوان بدهیم و پول جمع کنیم شاید پتانسیلمان از بچه های هیات خیلی بیشتر باشد، تصمیم گرفتیم مبلغ زیادی جمع کنیم و نانوائی های جنوب شهر را بگیریم که یکی دو روز برکت امام حسن(ع) با نیت خیر خیرین در سفره مردم قرار بگیرد. آخر سر قرار بر این شد که ما یک تعداد محدود گل و یک یادگاری میلاد امام حسن(ع) شامل یک حدیث را در بالاشهر بدهیم و هر تعداد که میتوانیم نانوائی های جنوب شهر را بخریم. در چند گروه تلگرام و اینستاگرام این طرح را قرار دادیم، و دیگر به صورت سینه به سینه و با تماس پول جمع نکردیم که اگر این کار را هم میکردیم خیلی بیشتر پول جمع میشد. ولی همین فراخوان هم ما را حیرت زده کرد یعنی هر نیم ساعت یکبار پول ریخته میشد و حدود ده میلیون جمع شد. ما حدود 18 نانوائی مناطق محروم را در دو سانس 6 تا 9 به مدت دو شب خریدیم.



فرهنگ نیوز: این مناطق را چگونه شناسایی کردید؟ یک تیم شناسایی داشتیم متشکل از خودم و آقای خاکسار و همان کسی که از کربلا به ما پیوسته بود، منزل ایشان نظام آباد بود. از چند نفر هم پرسیدیم و از کسانی که در شهرداری بودند هم اطلاعات گرفتیم که چندتا منطقه به ما معرفی کردند. با توجه به منطقه و خیابانها مشخص بود که اینجاها مناطق ضعیف تری هستند. نانوائی های این مناطق را گرفتیم و به این نانوائی ها هم تاکید کردیم که حتما بهترین نان که به صورت خاشخاشی دو رو باشد را بدهند. اینجا هم کیفیت برایمان خیلی مهم بود. و این آخرین کارمان بود. فرهنگ نیوز: برای عضویت و فعالیت در گروهتان از چه طریقی باید اقدام شود؟

در اینستاگرام وقتی فالو کنند، ما هر کاری بخواهیم انجام دهیم آنجا فراخوان میزنیم. در نظر داریم برای عید غدیر در اینستاگرام اطلاع رسانی کنیم همه کسانی که تمایل به همکاری دارند یک جایی جمع شویم، همدیگر را ببینیم و فعالیت های گروه را توضیح دهیم، زمانی را تعیین کنیم تا طرح هایشان را برای ما بفرستند. و در نهایت طرح نهایی را اعلام کنیم و اگر برای اجرا کمک خواستیم همانجا اعلام کنیم.

فرهنگ نیوز: برای کمک نقدی هم از طریق اینستاگرام باید اقدام شود؟

بله از طریق ایمیل و اینستاگرام شماره کارت را میگیرند و اینکار را انجام میدهند.